



علامه حلی و رسمیت یافتن تشیع در دوره ایلخانی

اقدامات علامه حلی برای اشاعه تشیع تنها به تدریس فقه و عقاید شیعی و تربیت شاگردان برجسته و عالم محدود نگردید. او نیز مانند خواجه نصیر الدین طوسی... به تالیف کتاب در زمینه عقاید و کلام شیعه پرداخت.

چکیده: اقدامات علامه حلی برای اشاعه تشیع تنها به تدریس فقه و عقاید شیعی و تربیت شاگردان برجسته و عالم محدود نگردید. او نیز مانند خواجه نصیر الدین طوسی... به تالیف کتاب در زمینه عقاید و کلام شیعه پرداخت.

نویسنده: مهدی عبادی

جمال الدین بن مطهر حلی مشهور به «علامه حلی؛ از جمله علمایی بود که از مناطق مختلف قلمرو ایلخانی (قرن هشتم هجری) به سلطانیه پایتخت این سلسله دعوت شدند.

اولجایتو حاکم ایلخانی (حك. 703-716 ق)، از بین علمای شیعی که به نزد او آمده بودند، علامه حلی را به ملازمت خود برگزید تا از آن پس بیشتر اوقات خود را با علامه و به بحث و مذاکره درباره مسائل کلامی و فقهی بپردازد. درباره نقش علامه حلی در شیعه شدن اولجایتو اقوال دیگری نیز ذکر شده است.

ابن بطوطه، مصاحبت اولجایتو با علامه حلی را در دوره پیش از اسلام آوردن او ذکر کرده است: «زمانی که پادشاه عراق سلطان محمد خدابنده، در حالت کفر به سر می برد، یکی از فقهای امامی به نام جمال الدین بن مطهر مصاحب بود. او شیعه شدن اولجایتو را در نتیجه تحریض و تشویق علامه دانسته است.

این گزارش درست به نظر نمی رسد، مسلم است که اسلام آوردن او در زمان غازان بوده و در این زمان اطرافیان او را بیشتر علمای حنفی تشکیل می دادند و از این رو اولجایتو مانند غازان به هنگام مسلمان شدن به مذهب حنفی درآمد.

همچنین منابع دیگر گزارشی درباره ملازمت علامه حلی با اولجایتو، زمانی که هنوز به دین اسلام درنیامده بود، به دست نمی دهند. به نظر می رسد ابن بطوطه در این باره آنچه را در افواه رایج بوده، ذکر کرده و از این رو، ماجرای اسلام آوردن اولجایتو را با شیعه شدن او در هم آمیخته است.

حکایت دیگری نیز درباره دخالت علامه حلی در تغییر مذهب اولجایتو از تسنن به تشیع وجود دارد. بنابراین حکایت، اولجایتو بر همسرش خشمگین شد و او را سه طلاقه کرد.

از آنجا که بنا بر قواعد فقه اهل سنت امکان ازدواج دوباره او با همسرش وجود نداشت، به راهنمایی علامه حلی به مذهب تشیع در آمدن حکایت در منابع دوره ایلخانی نیامده است و در تحقیقات جدید احتمال داده اند که این حکایت را نخستین بار ملا محمد تقی مجلسی در کتاب روضة المتقین آورده باشد و پس از آن در منابع دیگر نقل شده است.

علامه حلی در مدرسه سیاره که اولجایتو دایر کرده بود، به تدریس فقه شیعی همت گماشت و به دور از تعصب ورزی برای اثبات حقانیت تشیع به مناظره با علمای اهل سنت از جمله نظام الدین مراغه ای پرداخت.

در طی این مناظرات و بحث ها بود که نظام الدین نیز به قوت ادله او اقرار نمود («و جناب شیخ علامه با خواجه نظام الدین عبدالملك در مبحث امامت مناظره نموده اثبات خلافت بلا فصل حضرت امیرالمومنین علیه السلام از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم و ابطال دعوی خلافت مشایخ ثلثه اهل سنت به براهین قاطعه و دلایل ساطعه نمود و رجحان مذهب امامیه را بر وجهی ظاهر ساخت که راه تشکیک بر احدی از حاضران نماند و خواجه نظام الدین عبدالملك چون ادله جواب شیخ را شنید گفت که قوت ادله بغایت ظاهر است اما چون سلف بر راهی رفته اند و خلف جهت الجام عوام و دفع تفرقه اسلام پرده سکوت بر اظهارات ایشان پوشیده اند مناسب آن است که هتک آن ستر ننمایند و تظاهر به طعن و لعن ایشان نفرماید. در سایه تلاش های علامه حلی و موفقیت های او در مناظرات مذهبی، حقانیت تشیع در نزد اولجایتو بیش از پیش به اثبات رسید و به قول قاشانی «در خاطر پادشاه ثابت و راسخ شد که جز علی و اهل بیت او از استخوان و اروغ رسول صلی الله علیه نبودند و باقی صحابه و امرا بیگانه«.

اقدامات علامه حلی برای اشاعه تشیع تنها به تدریس فقه و عقاید شیعی و تربیت شاگردان برجسته و عالم محدود نگردید. او نیز مانند خواجه نصیر الدین طوسی و در جهت سیاستهای خواجه برای دفاع از عقاید شیعی، به تالیف کتاب در زمینه عقاید و کلام شیعه پرداخت که از جمله آنها نهج الحق و کشف الصدق، منهاج الکرامه فی معرفه الامامة و کشف القین فی فضائل امیرالمومنین است. علامه این کتابها را به نام اولجایتو نوشته و به او تقدیم کرده است. بیانی علت اهدای این کتابها از طرف علامه حلی به اولجایتو را «به شکرانه پیروزی تشیع و به رسم هدیه« دانسته است. اما به نظر می رسد علامه در اهدای این کتابها به اولجایتو، سیاست حساب شده ای را دنبال می کرد. اهدای کتابهای اعتقادی و کلامی شیعه به شخص ایلخان از يك سو موجب توجه بیشتر اولجایتو و سایر صاحب منصبان و درباریان به عقاید شیعی می شد و از سوی دیگر امکان نشر این کتابها و در نتیجه عقاید شیعی را در سطح وسیعی از جامعه فراهم می آورد.

